



نیلوفران سپید

گزیده‌ی اشعار آزاد سپیدسرایان استان کرمانشاه

به انتخاب و کوشش کورش همه‌خانی

دبیر پروژه: مهناز رضایی (لاچین)

شماره نشر ۲۷۰

نیلوفران سپید

گزیده‌ی اشعار آزاد سپیدسرایان استان کرمانشاه

به انتخاب و کوشش کورش همه‌خانی

دبیر پروژه: مهناز رضایی (لاچین)

ناشر: کتاب هرمز

طراحی جلد: هژبر میر تیموری

مدیر هنری: شهرام فروغی مهر

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۸۸-۵۶-۹

ISBN ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۸۸-۵۶-۹

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مولف محفوظ است

آدرس نشر: اهواز، کمپلو، بین خیابان ارفع و ولی عصر، پاساژ عبدالخانی

تلفن تماس: ۰۹۱۶۷۳۰۴۷۱۱

sh.fm@۲۰۲۴gmail.com

سرشناسه: همه‌خانی، کورش، ۱۳۵۰-

عنوان و پدیدآور: نیلوفران سپید (گزیده‌ی اشعار آزاد سپیدسرایان استان کرمانشاه)

به انتخاب و کوشش کورش همه‌خانی / دبیر پروژه: مهناز رضایی (لاچین)

شخصیات نشر: اهواز: کتاب هرمز، ۱۴۰۰ / مشخصات ظاهری: ۲۵۱ ص / ۱۴/۵×۲۱/۵ س

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۸۸-۵۶-۹ / ISBN ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۸۸-۵۶-۹

تر: گزیده‌ی اشعار آزاد سپیدسرایان استان کرمانشاه. / موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ --

مجموعه‌ها -- Collections ۲۰ Persian poetry -- th century

شناسه افزوده: رضایی، مهناز، ۱۳۴۵ - / رده بندی کنگره: PIR۴۱۹۰

رده بندی دیویی: ۶۲۰۸/۸۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۶۳۴۸۵

فهرست

مقدمه / کورش همه‌خانی / ۴

فریبرز ابراهیمپور / ۲۰

محسن اخوان گوران / ۲۴

آرش اسلامی / ۳۰

علی الفتی / ۳۳

جلیل الیاسی / ۳۷

زهره امیری / ۴۱

ربیب امیری پریان / ۴۶

توحید آتش افروز / ۵۰

صوفیا آهنگوب / ۵۳

جلیل آهنگرنژاد / ۵۹

سینا به منش / ۶۳

شهرام بیانی (ناکو) / ۶۵

طیبه تیموری نیا / ۶۹

اشکان چاوشی / ۷۱

محمد حدیدی / ۷۶

خدیجه حسین پناهی/ ۸۱

قباد حیدر/ ۸۶

عدنان خلعتی/ ۸۹

یاسمن دولتشاهی/ ۹۵

محمد ذکایی (هومن)/ ۹۸

مریم ذوالفقاری/ ۱۰۰

مریم رحمانی/ ۱۰۳

اسماعیل زرعی/ ۱۰۷

علیرضا زرین/ ۱۱۰

سودابه زنگنه/ ۱۱۳

عزت الله زنگنه/ ۱۱۸

حامد شاهین مهر/ ۱۲۷

فریاد شبیری/ ۱۳۱

رسول عظیمی/ ۱۳۵

الهام فتاحی/ ۱۳۸

ناهید کبیری/ ۱۴۰

جلال کیانی/ ۱۴۴

لیلا گرگانی/ ۱۴۸

مریم گمار/ ۱۵۲

مقدمه

نگاهی گذرا به پیشینه‌ی شعر سپید کوروش همه‌خانی

در نگاهی کلی و گذرا به پیشینه‌ی شعر سپید ایران، ما همواره با فراز و فرودها، افراط و تفریط‌ها، قبض و بسط‌ها و نفی و اثبات‌های گوناگونی در این عرصه مواجه بوده‌ایم که خود را در قالب جریان‌ات ادبی اثرگذارِ مقطعی و ناپایدار بروز داده که عموماً در یک وجه تئوریک مشترک بوده‌اند: «اشروط، موقتی و گذرا بودن تعادل» در همه‌ی اشکال هستی.

این جریان‌ات ادبی با محوریت شعری، همواره اصل نگاه تعادل و توازن‌گرا را که به عنوان یک الگوی تثبیت شده‌ی ذهنی، قرن‌ها بر زبان شعر تسلط و استیلا پیدا کرده بود و تا پیش از نیمه، در سبک‌های مختلف و در اوزان عروضی ثابت و استاندارد با نظام واژگانی‌ای محدود و موضوعات تکراری، نامتکثر با محتوای درون‌نگرای انتزاعی عرضه می‌شد را به چالش کشیدند و خود را با زبانی نو و به دور از تکلفات رایج به جامعه معرفی نمودند. در این الگوی فکری نوین، هرگونه نگرش معطوف به گذشته، ارتجاعی، سنتی و کلاسیک تلقی

می‌شود که البته اتصاف و موصوف شدن سنت‌گرایان به چنین صفتی چندان بی‌راه و بی‌ربط نبوده است. پس آن جهان ثابت‌نگر بظلمیوسی و در اصطلاح پوست‌پیزی که همه چیز آن بر مراتب و مقاصد از پیش تعیین شده‌ی منظم و لایتغیر بنا شده بود، به یک باره جای خود را به اندیشه‌ای مرکزیت‌گریز ضد تعادل و... واگذار کرد که مبانی فکری و نظری آن تا به امروز در قالب اشکال متنوع و متکثر ادبی، تبلور یافته است. این چرخش زبانی از الگوهای ذهنی کهن به نو، از یکصد سال گذشته تاکنون، با ضریب‌های نرم در حال پس‌زدن تمامی انگاره‌هایی است که بر مفروضات غیرقابل اثبات و نفی سستی استوار بوده‌اند، بنابراین با نهادینه‌شدن چنین فکری، دیگر هیچ چیز نمی‌تواند شاعر امروز را به سکون و ایستایی فرابخواند چرا که تمامی مصادیق عینی جهان پیرامون او لحظه به لحظه در حال تغییر و دگرگونی شتابنده‌ای است که برای بیان آن نمی‌توان از زبانی کهنه، منسوخ و از اعتبار افتاده استفاده کرد. به این ترتیب می‌توان گفت که روپنای زبانی‌ای که نیما از شعر رونمایی کرد، به دلیل مبتنی بودن بر الگوها و مؤلفه‌های ذهنی دایما‌نوشونده، محکوم به کهنگی نمی‌شود و در هر زمان هم که دچار سکون، ایستایی و تکرار می‌گردد و با ذات پویای خود در تعارض قرار می‌گیرد، نیروهای نوگرای زمانه را در برابر این گزینه‌ی الزام‌آور قرار می‌دهد «که تا دیر نشده باید جنبید، چرا که اکنون وقت

تغییر است. این ندای هشداردهنده که از بطن زبان شعر بلند می‌شده، بارها و بارها به گوش هنرمندان آگاه زمانه رسیده و آنها را در دوره‌های زمانی مختلف به حرکت و تحول در وضع موجود واداشته تا در یک روند همگرایانه با نظریه‌ی اولیه‌ای که توسط نیما ارائه شده، جریانات متکثری را دامن زند که تا زمانه‌ی تداوم یافته است. از این روست که این روحیه‌ی بدعت‌گرایانه، دیگر هیچگاه فروکش نخواهد کرد و هر بار و در هر دوره‌ی زمانی‌ای متناسب با تغییرات عینی و ذهنی جامعه از هر فرصتی برای عرض اندام و اهلام حضور بهره می‌برد.

با این وصف در یک بیان کلی می‌توان خاستگاه شعر سپید را متصل به مبانی نظری شعر نیما دانست، همو که با جا به جایی در مؤلفه‌های شعر کلاسیک و تزریق عامل حرکت، نظریه‌ی توازن‌گرایانه‌ی رابج را متزلزل ساخت و نظام قالبی حاکم بر شعر را در معرض تشکیک و نسبت‌گرایی قرارداد، جریانی که توسط شاعران و هنرمندان مابعد او گسترش پیدا کرد.

آنچه من در اشعار و بیانیه‌های صادره توسط شاعران پس از نیما استنباط می‌کنم، آنها را به نوعی تلاش مضاعف، برای عبور از نظریه‌ی اولیه‌ی نیمایی دیده‌ام تا از این رهگذر هم خود را به عنوان انقلابیونی تازه نفس در عرصه‌ی شعر نشان دهند و هم آثار خود را دارای وجوه

متفاوت‌تری از اشعار پیشین، به مخاطب معرفی نمایند، غافل از اینکه عمل آن‌ها چیزی جز بازتولید و توسعه‌ی مؤلفه‌های نیمایی (حرکت، مشروط و نسبی‌بودن تعادل) نبوده است. درواقع باید گفت که جریان‌های پسانیمایی صرفاً به ترویج و تحکیم مبانی نظری نیما پرداختند و ابعاد جدیدی به آن افزودند، بدون اینکه از اصول کلی آن نخطی نمایند یا همچون نیما طرحی نو دراندازند.

در همین راستا مثلاً بیانیه‌ی هوشنگ ایرانی و دوستان‌اش با عنوان «سلاخ و بلبل» توأم با ادعای خروس جنگی‌بودن در مقابل شعر سنتی، چیزی جز تزریق نظریه‌ی «آدایست‌های هرج و مرج طلب با بیانی ستیزه‌جویانه نبوده و از آنجا که ظاهر به بومی‌سازی چنین نظریه‌ای نبودند، هم‌چون شهابی در آسمان شعر ظاهر شده و خیلی زود به کناری نهاده شدند، البته کم‌لطفی خواهد بود اگر نگوییم مهمترین دستاورد این نوع ستیزه‌گری، جسارتی بود که در خرق عادت‌ها - که البته باز هم میراثی به جامانده از نیما بود - برای نسل‌های بعدی به یادگار گذاشتند. بعدها و در امتداد نگاه نوگرایانه و در تقابل با افراطی‌گری‌های پدید آمده در شعر، این روند از طریق میانه‌روی شاعران بعدی تا حدودی جبران شد، چنانکه موج نو بر خلاف جریان ایرانی، سعی نمود با نگاهی اعتدالی، از راه نظریه‌ی «آزادی شاعر از

هر آنچه آزادی‌اش را محدود می‌کند» ، راه مفردی از نگرش و جهان‌بینی حاکم بر شعر پیدا کند.

اما در میانه‌ی پروسه‌ی آزادسازی شعر ایران از مبانی نظری کلاسیک، به جریان شعر حجم می‌رسیم که باید آن را از منظر متفاوت‌تری بررسی کنیم، از این لحاظ که شعر حجم، فی‌نفسه واکنشی بود در برابر هرج و مرج و کشمکش‌های حاکم بر شعر ایران، ضمن اینکه این نوع شعر، با رویکردی هستی‌شناسانه در صدد جا به جایی مرکز توجه شاعران از درونگرایی و موضوعات طبعی به سمت ذات اشیا بود تا از طریق خلق تصاویر سه بعدی خود-ارجاع از فاصله‌ی میان هستی و اشیا بکاهد. وجه ممیزه‌ی رؤیایی نسبت به شاعران پیش و پس از خود این بود که او برای شاعر و هنرمند هیچگونه رسالت و تعهد سیاسی قابل نبود و لذا می‌توان شعر او را متن-مدار یا گرایش‌ات فرمالیستی تلقی نمود، همچون نیما، رؤیایی نیز سعی کرد تا شعر مورد نظرش را ابرائیزه کند و این از مهمترین امتیازات او با دیگر شاعرانی بود که همه‌ی همت خود را به کار می‌گرفتند تا قالب و چهارچوب‌های نظریات وارداتی را بدون کمترین دخل و تصرفی بر شعر فارسی تحمیل نمایند.

جریان «شعر پلاستیک» اسماعیل نوری‌علا هم جریان‌ی تلفیقی و به اصطلاح اقتباسی با هدف تجمیع تمامی مؤلفه‌های شعری پیشینی بود